

حملات متقابل رژیم یهود و ایران در تحت کنترل امریکا

(ترجمه)

خبرگزاری فارس ایرانی گفت: «صدای سه انفجار در نزدیکی یک پایگاه نظامی در منطقه اصفهان در روز جمعه مؤرخ 19 اپریل 2024م شنیده شد و تلویزیون ایرانی اعلان کرد که نهادهای دفاعی هوایی، حملات پهبادهای انفجاری کوچک که در فضای شهر اصفهان، در قلب این کشور و در شمال شهر تبریز به وقوع پیوست خنثی کرد.

این حمله نظامی خفیف، در حالی از جانب رژیم یهود در واکنش متقابل به ایران رخ داد که یک هفته قبل، ایران در یک حمله از سیدوسی پهباد و موشک کار گرفت که از این پهبادها و موشکها تنها هفت عدد به سرزمین اشغالی رسید. به این ترتیب، این واکنش افتضاح آور به خاطری از جانب رژیم یهود بر خلاف عادت به وقوع پیوست که این دو دولت به صورت مستقیم روی در روی نشوند که برای شان عاقبت خوبی نداشته و بر خلاف خواسته امریکاست.

قبلاً حسین امیر عبداللہیان رژیم یهود را تهدید نموده و در شبکه فارس گفته بوده: «وقتی اسرائیل» به هر عمل نظامی دیگری بر ضد ایران اقدام نماید، در این صورت به زودی در عکس العمل سخت به بلندترین سطح آن مواجه خواهد شد.» عبداللہیان همین سخن را چندین بار به خبرگزاری "انباء" تکرار کرد و گفت: «وقتی نظام "اسرائیل" بار دیگر مرتکب خطای فاحش گردد، در این صورت عکس العمل ما به گونه جدی، قاطع و دردآوری نسبت به ایشان خواهد بود.» اما بعد از گذشت چند ساعت از این اظهارات واحد وقاطع امیرعبداللہیان، این حمله بالای اصفهان اتفاق افتاد و ایران گفت دفاعهای هوایی سه بی سرنشین را سقوط داد. تهران از ساعات اولی روز جمعه تأکید کرد که: «این عملیات توسط بی سرنشینهای کوچک صورت گرفته که همه شان خنثی شد و هیچ خساره ای را به خاک ایران نرسانده است.» اما ایران رژیم یهود را مسئول این حمله نخواند. ایران به شمول خبرگزاری انرژی اتمی تأکید کرد که این حمله کدام کارخانه هسته ای را هدف قرار نداده با وصف اینکه در شهر اصفهان مرکز ساخت هسته ای یورانیوم و هم چنان شرکت صنعت هواپیماها و بی سرنشینها در این شهر می باشد و تنها ایران این حمله را یک حمله تخریبی خواند و گفت این حمله را یک تعداد مزدوران است که از داخل ایران سازماندهی نموده و با چنین حمله، طوری تعامل می شود که این حمله یک عمل تخریبی و تروریستی بوده و از جانب جاسوسان راه اندازی شده است. چنانچه بی سرنشینهای که در این حمله استفاده شده شناسائی شد معلوم گردیده که در این حمله بی سرنشینهای که بنام "کواد کوپتر" یاد می شود استفاده شده و این طیاره های کوچک است که صدها گرام مواد انفجاری حمل نموده و قادر به ضربات نیست که خسارات سنگین به جا بگذارد.

به این ترتیب، رژیم یهود آخرین طرفی بود که در مقابل ایران در ازای موشک پرانی هایش واکنش نشان داد و این واکنش به دلیل حملات پهبادی ایران در جواب به حمله اسرائیل به کنسولگری اش در دمشق بود که منجر به قتل سربازان ارشد وی شد.

ابن گویر، وزیر تندرو رژیم یهود این حمله ضعیف رژیم یهود را که بالای اصفهان صورت گرفت و حتی مطبوعات رسمی رژیم یهود نیز به صورت رسمی پوشش نداد رسوا کرد و این حمله را مسخره خواند و این مسأله اشاره واضح بر مسئولیت رژیم یهود در برابر این حمله است. هیأت فرستاده شده رژیم یهود از زبان یک تعداد وزراء که نام شان را نگرفت گفت: «همین نوع اظهارات مانند سخنان ابن گویر امنیت دولت را به خطر مواجه می سازد.» یائیر لاپید رئیس حزب پیش عتید گفت: «هیچ وزیری سابقه ندارد که مثل این وزیر چنین ضرری بزرگ را به حکومت رسانده باشد که به این شکل امنیت این سرزمین، چهره و جایگاه بین المللی آن را ضربه زده

باشد.» وی افزود: «ابن گویر در تمسخر کردن "اسرائیل" موفق شد و اسرائیل را از تهران تا واشنگتن رسوا کرد و شکی نیست که این سخن خود تأکید به این دارد که رژیم یهود در برابر فشارهای امریکا در مورد عدم درگیری با ایران تسلیم شده و تأکید به این دارد که آنچه اتفاق افتاده تنها نمایش است که مشابهت به نمایش‌نامه‌های دارد که قبلاً از طرف امریکا راه‌اندازی شده بود که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق امریکا بعد از ترور قاسم سلیمانی به آن اشاره کرد.

رژیم یهود جبراً سیاست سکوت و عدم مسئولیت گرفتن این حمله ضعیف به صورت رسمی بر اصفهان را اختیار کرده که این سکوت به هدف به دست آوردن رضایت امریکا بوده و می‌خواهد این حملات در بین رژیم یهود و ایران کنترل شود؛ حملاتی که به این اسلوب از دائرة دیپلوماسی بیرون شده و امریکا بالای طرفین فشار وارد می‌کند؛ مخصوصاً بالای رژیم یهود تا آن را از کشیدن با درگیری با ایران که وضعیت سیاسی را پیچیده‌تر می‌سازد و استقرار سیاسی جهانی را بر هم می‌زند و تمام منطقه را به خطر و عدم استقرار مواجه می‌سازد جلوگیری کند، علاوه بر این حمله ایرانی یک فرصت طلائی برای رژیم یهود برای هدف قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای می‌باشد که از ترس امریکا از این فرصت استفاده نکرده است. چنانچه امیرافینی که یک فرمانده نظامی سابق در ارتش رژیم یهود است گفت: «نظام "اسرائیل" مدت طولانی در حالت تعامل با اماکن هسته‌ای ایران منتظر ماند و من باور دارم که این فرصت خوبی برای ضربه زدن محکم به هسته‌ای ایران است.»

بناءً امریکا در این مرحله، معادله جدیدی در جنگ بین این دو دولت در پیش گرفته و طوری به نظر می‌رسد که امریکا می‌خواهد که این معادله به نفع ایران تمام شود. پس ایران از سیاست صبر استراتژیک که یهود را اجازه می‌داد که هر ضربه بزند به سیاست باز دارنده‌گی متوازن بین این دو دولت انتقال خورد؛ موضوعی که منجر به بالا رفتن جایگاه ایران در منطقه شده و طوری آن را توصیف می‌کند که یک قدرت منطقه‌ای است که در کنار رژیم یهود در خاورمیانه از جهت رقابت و مقابله به آن نیاز مبرم است.

شکی نیست که ایران یک گام هم در اقدامات نظامی خود بدون هم‌آهنگی امریکا به پیش نمی‌رود، گاهی این هم‌آهنگی به صورت مستقیم است چنانچه این کار را در حمله بالای پایگاه عین الاسد در عراق انجام داده و گاهی هم این هم‌آهنگی را از طریق میان‌جیگران انجام می‌دهد؛ چنانچه این کار را در حمله اخیرش بر رژیم یهود انجام داد و از طریق ترکیه با یک تماس تلفونی بین وزرای خارجه امریکا، ترکیه و ایران تنظیم نمود، این هم‌آهنگی‌ها که بین ایران و امریکا از زمان اشغال عراق و افغانستان وجود داشته و تا اکنون نیز ادامه دارد، به صورت یقینی دال بر اینست که ایران دولتی است که در محور امریکا می‌چرخد و تحریم‌های را که امریکا بالای آن وضع می‌کند بازی‌های سیاسی است که باعث قوت بیشتر ایران می‌شود و در نتیجه به هیچ یک از اقدامات ایران که دائم در خدمت منافع امریکا بوده اعتماد نمی‌شود. ایران هیچ انتقام حتی در برابر کشته شدن ملیش‌های خودش در سوریه و لبنان نگرفته و طبیعی است که هیچ انتقام در برابر کشته شدن و هدف قرار گرفتن هزارها فلسطینی در غزه نگرفته؛ مردم غزه‌ای که ایران به آن‌ها پشت کرده و جز سخنان میان‌خالی برای شان کاری نکرده است.

لذا به این نتیجه می‌رسیم که ایران یک واقعیتی دارد که اصلاً فلسطین و اسلام برایش مهم نیست؛ بلکه تنها منافع بی‌ارزش و محدود ملی فارسیم و تعصب مذهبی گروهی نفرت‌انگیز برایش مهم است و بس.

برگرفته از شماره 492 جریده الرایه

نویسنده: احمد خطوانی

مترجم: مصطفی اسلام